

امیر کبیر و استعمار

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی (ژئوپلیتیکی) ممتاز، داشتن منابع طبیعی غنی، و نقش حیاتی در پیوند شرق و غرب در طول تاریخ، بارها هدف نفوذ و سلطه مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های استعماری قرار گرفته است. استعمار در ایران عمدتاً با نفوذ و سلطه قدرت‌های خارجی، همچون روسیه تزاری، بریتانیا و بعدها ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود. برخلاف الگوی استعمار مستقیم در آفریقا و برخی کشورهای آسیایی، در ایران بیشتر استعمار نیمه‌مستقیم یا غیرمستقیم وجود داشته که با حفظ ظاهری استقلال سیاسی، کنترل اقتصادی، نظامی و فرهنگی همراه بوده است.

در دوره قاجار، بعد از جنگ‌های ایران و روس که به شکست ایران و انعقاد قراردادهای ننگین گلستان (۱۱۹۲-۱۱۸۳ ش) و ترکمانچای (۱۲۰۶-۱۲۰۵ ش) انجامید، ایران بخش بزرگی از قفقاز را واگذار کرد و از طرف دیگر، بریتانیا نفوذ خود را در جنوب و شرق کشور گسترش داد، استعمارگران ... در رفتار، معمولاً از روش‌های غیرمستقیم زیر استفاده می‌کردند:

۱. نفوذ سیاسی (وابسته‌سازی حاکمان و مقامات)؛
 ۲. سلطه اقتصادی (از طریق امتیازهای اقتصادی و تجاری، تجارت وابسته و وابستگی به تولید خارجی)؛
 ۳. سلطه فرهنگی (از طریق نظام‌های آموزشی، رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی برای تغییر سبک زندگی)؛
 ۴. سلطه نظامی (از طریق آموزش‌های نیروهای نظامی توسط کشورهای استعمارگر، و وابستگی ارتش و نیروهای نظامی داخلی به تجهیزات و امکانات کشورهای آنان).
- به این ترتیب استعمارگران به صورت سازمان‌یافته‌تری در ایران حضور و بروز یافتند و بعدها آمریکا با کودتای ۱۳۳۲ ش تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش پررنگ‌تر و برجسته‌تری در نفوذ در ایران پیدا کرد و تقریباً

جای روس و انگلیس را گرفت.

امیر کبیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران دانست که نقش پررنگی در مقابله با نفوذ و سیاست‌های استعماری قدرت‌های خارجی به‌ویژه بریتانیا و روسیه داشت. او در دوره کوتاه صدارتش (۱۲۲۷ تا ۱۲۳۰ ش) کوشید ایران را از وابستگی اقتصادی، نظامی و فرهنگی به بیگانگان دور کند و پایه‌های یک حکومت مستقل و مقتدر را بگذارد.

مهم‌ترین اقدامات امیر کبیر در برابر استعمار عبارت‌اند از:

۱. اصلاحات اداری مالی؛
۲. کاهش نفوذ درباریان و شاهزادگان فاسد در تصمیم‌های مهم که غالباً با قدرت‌های خارجی همدست بودند.
۳. برقراری موازنه منفی میان روس و انگلیس؛
۴. مخالفت با قراردادهای امتیازهای اقتصادی؛
۵. تأسیس دارالفنون برای آموزش علوم و فنون؛
۶. حمایت از منابع داخلی و تولید ملی؛
۷. بازسازی نیروهای نظامی و ساختن کارخانه ادوات و تجهیزات نظامی داخلی؛
۸. گسترش آگاهی‌های عمومی با انتشار روزنامه‌ها و ترجمه و انتشار کتاب.

سیاست‌های امیر کبیر نه تنها اصلاحات داخلی بودند، بلکه در اصل یک برنامه ضد استعماری جامع محسوب می‌شدند. این برنامه‌ها گرچه به تبعید و شهادت امیر کبیر انجامیدند، ولی الگویی برای مبارزه‌های ضد استعماری در دوران بعد شدند. بعد از شهادت امیر کبیر و با پیدایش نفت و کودتای ۱۲۹۹ ه. ش، روی کار آوردن پهلوی اول توسط استعمار انگلیس و کودتای ۱۳۳۲ ه. ش و روی کار آوردن پهلوی دوم توسط استعمار جدید و تثبیت حکومت او، استعمار به صورت سازمان یافته و عیان‌تر و شدیدتر در امور کشور شد اما با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار نه شرقی و نه غربی، عملاً وابستگی ایران به استعمار قطع شد و ساختار سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که تحت نفوذ استعمار قرار داشت، گسسته شد.

چالش‌هایی که به سبب این استقلال خواهی تاکنون ادامه دارد: تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، دفاع مقدس هشت ساله، و جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا در خردادماه سال جاری علیه ایران اسلامی (۲۳ خرداد ۱۴۰۴) که نمونه دیگری به صورت عیان و بدون هیچ پوششی به مبارزه مستقیم با ایران عزیز و مردم غیور آن اقدام می‌کند تلاشی است که استعمار برای سلطه بر ملت و کشور ما به صورت قهری انجام می‌دهد، اما بینش و آگاهی تاریخی و سیاسی این ملت تمام توطئه‌های آن‌ها را ناکام گذاشته و خواهد گذاشت.

غلامرضا حمیدزاده*